

چگونه در بازارهای نامناسب و ناکارآمد سود کنیم؟

گاهی بازار خوب است اما معامله گران خوب عمل نمی کنند در این شرایط سودی وجود نخواهد داشت.

در ۳۰ سال گذشته محور تصمیم گیری برای سرمایه گذاری های عادی بر اساس **efficient markets hypothesis** بوده است. در این فرضیه گفته میشود بازار بورس مبنای قطعی و محکمی ندارد چون همه اطلاعات از قیمت های بورس به دست می آید.

با تبعیت از منطق بازارهای کارآمد، بهترین راه برای سرمایه گذاری در بازار بورس امریکا استفاده از شاخص **passively managed** است و منظور از آن داشتن سرمایه های دوطرفه ای است که تابع مستقیم شاخص **S&P ۵۰۰** یا شاخص کلی بازار مانند **Vanguard Total Stock Market Index** یا **Schwab S&P ۵۰۰ Index Fund (SWPPX)** یا سرمایه های تبادلاتی معامله شده ای مانند **U.S. SPDR S&P ۵۰۰ ETF Trust (SPY)** و **Russell ۱۰۰۰ Index** و **Fund (IWB)** هستند.

روی کاغذ که می نویسیم موضوع ساده و قابل درک است اما قیمت ها حاصل بهترین برآورد ارزش در میان همه سرمایه گذاران فعال حاضر در بازار است. منطقی است. نه؟

زود تصمیم نگیرید. این فرضیه یک نکته مهم را نادیده گرفته است: احساسات بشری. در بازار سرمایه گذاری انسان تصمیم گیرنده است و می دانیم که همه کارهای انسان منطقی نیست.

در واقع آنقدر تصمیمات غیر منطقی ما تکرار میشوند که می توانیم پیش بینی کنیم چه زمانی ممکن است چنین تصمیماتی بگیریم. برای سرمایه گذاران دقیق این خبر خوشی است. با بررسی الگوهای تکرار شونده حاصل از تصمیمات نامعقول سایر سرمایه گذاران می توان استراتژی سرمایه گذاری طراحی کرد که به وسیله آن حتی در بازارهای ناکارآمد نیز می توان سود خوبی به دست آورد.

محور این رویکرد به سرمایه گذاری **momentum** یا رویکرد برنده ها به همیشه برنده بودن و بازنده ها به همیشه بازنده بودن بر اساس توانایی هایشان است. این روش نتیجه می دهد به این دلیل که مردم از نگه داشتن اقلام مالی که در بازار برنده بوده اند لذت میبرند. علاوه بر این سرمایه گذاران مایلند آنچه را که بازنده است اندکی بیشتر نگه دارند تا شاید وضعیت به زودی تغییر کند و فوری اقدام به فروش نمی کنند. درست مانند قانون اول نیوتن درباره حرکت که ثابت می کند اشیا متحرک به حرکت خود ادامه می دهند، بورس نیز وقتی در فاز برد است در همان فضا باقی می ماند تا زمانی که به سطوح مقاومتی برسد که از ارزش مبنا بالاتر هستند. همین طور یک روند نزولی در بازار تا زمانی ادامه می یابد که به یک سطح حمایتی برسد.

این پدیده ناشی از یک ذهنیت خاص درباره بازار یا قانون ارقام کوچک است. بر اساس چشم اندازی کوتاه بینانه سرمایه گذاران به اشتباه چنین نتیجه گیری می کنند که اگر موسسه ای امروز سود خوبی دارد و در میان رقبا می درخشد تا ابد در همین وضعیت خواهد بود. این وضعیت را درباره مومنتوم صعودی که پشتوانه جهت گیری ارزش سهام (Google) Nasdaq:GOOG و Amazon.com (Nasdaq)AMZN است شاهد هستیم.

با استفاده از این چشم انداز معکوس به جای چشم اندازی که درباره آینده و برای پیش بینی فردا وجود دارد سرمایه گذاران می توانند نشانه های خوش یمن را دریابند و قیمت های برندگان را پیدا کنند. همین آسیب شناسی را می توان برای مواردی که درآمد یک شرکت رشد منفی دارد به کار برد.

در واقع این الگو آنقدر تکرار شد که **Sheridan Titman** و **Narasimhan Jegadeesh** با بررسی این پدیده مومنتوم به استراتژی سرمایه گذاری دست یافتند. بر اساس دست آورد آنها همه سرمایه گذاران می توانند در ماه ۱٪ بازگشت سرمایه داشته باشند که به نوعی بیمه سرمایه گذاری است. این تحلیل حاصل بررسی ۴۰ بازار در سراسر دنیاست.

بر اساس تحقیقات **Gerstein Fisher** تا ۵۰٪ از کل سرمایه های در حال رشد فعال در بازار که در راستای تحولات بازار مدیریت می شوند و این به معنی توجه به مومنتوم بازار سهام است همچنین موسسات کوچک و ارزش سهام ممکن است رونق بگیرند.

Gerstein Fisher برای برکنار ماندن از تاثیرات مومنتوم عوامل رفتاری، ارزش و بازار تحت تاثیر عملکرد بازار دنیای واقعی از تحلیل بازگشتی مبتنی بر این عوامل برای حدود ۷۵۰ سرمایه در حال رشد فعال در فاصله اکتبر ۱۹۹۹ و سپتامبر ۲۰۰۹ استفاده کرد. این تحلیل به ما اجازه می دهد بی ثباتی های فردی را کنترل کنیم و از لطمات این رویدادها بر کنار باشیم.

بر اساس این یافته ها ۸۲٪ از مدیران سرمایه های در حال رشد صعودی و ۷۵٪ از مدیران سرمایه های در حال رشد نزولی در ده سال اخیر فعالیتشان در بازار بارها تجربیات تکراری داشته اند. اگر از رویدادهای خارج بازار فاصله بگیرید و به آنها بی توجه باشید یکی از ۳۹٪ از مدیران سرمایه های در حال رشد صعودی یا ۳۶٪ از مدیران سرمایه های در حال رشد نزولی خواهید بود.

به بیان ساده بسیاری از آنچه در بازار دیده می شود حاصل بررسی مومنتوم ها و عوامل ریسکی است.

سرمایه گذاران چه طور می توانند از چنین بازارهایی سود حاصل کنند؟ شاید مهمترین موضوع در بررسی مومنتوم داشتن یک رویکرد جامع مبتنی بر استراتژی سرمایه گذاری باشد. تاریخ نشان می دهد که در طولانی مدت سرمایه گذاران توانسته اند ضرر مالی خود را با استفاده از ریسکهای مختلف بازار جبران کنند.

مومن‌توم‌های قوی قیمت بورس که ریسک‌های موجود در روندهای طولانی را باز می‌گردانند از این دست هستند.

نوع دیگری از سهام که به همین شکل ضررها را جبران می‌کند حصارهای کوچک و سهام ارزشی است که ویژگی هر دو آنها فراریت بالا و روندهای طولانی مدت در قیاس با سایر اقسام موجود در بازار است. بهترین کاری که سرمایه‌گذاران می‌توانند انجام دهند این است که خود را در معرض همه این ریسکها قرار دهند. سرمایه‌گذارانی که در بازارهای مختلف سرمایه دارند اگرچه ممکن است با خطرات مختلفی روبرو شوند اما می‌توانند در طول زمان بر احتمال کسب سود خود نیز بیافزایند

منبع: www.guilanfx.com/old

